

# فهمه عاشقانه‌ی زندگی

عشق، جاودانه است

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

عشق، تجربه‌ی کسانی‌ست که به روشنی و  
دل‌آسودگی و آزادی رسیده‌اند. رتال جامع علوم انسانی  
تنها قلعه‌ها هستند که می‌توانند تمامی چشم‌انداز  
پیرامون‌شان را زیر چتر نگاه خود بگیرند.  
اگر طالب تجربه‌ی عشق هستی، به مراقبه بپرداز.  
اگر طالب گل‌هایی، بوته‌ها را تیمار کن.  
آب‌شان بده،  
کودشان بده،  
به آن‌ها مهر بورز تا ببالند و به گل بنشینند.  
گل‌ها در زمان مناسب خواهند رویید.  
نگران آن‌ها نباش.  
شکوفای شوند.  
عشق، گلی‌ست که در وجود تو می‌روید.  
فقط کافی‌ست زمینه را مهیا کنی.  
خود را به روی بی‌کران باز کن؛  
عشق می‌آید  
و در دل تو خانه می‌کند.  
ابتدا، خود باش.  
ابتدا، خود را بشناس  
و با خود انس بگیر.

عشق، پاداشِ این اُنس و آشناییست.

عشق، پاداشیست از فراسو.

عشق، میهمانیست که به دل‌های آشنا و بیدار سر می‌زند.

اگر عشق در خانه‌ی تو را بکوبد، با هزار و یک بهانه، در را به رویش باز نمی‌کنی زیرا با خود، اُنس نگرفته‌ای. حتی اگر در را نیز به روی عشق باز کنی،

عشق را نخواهی شناخت زیرا با او دیداری نداشته‌ای.

وقتی عشق، برای نخستین‌بار، تو را از خود سرشار می‌کند، گیج می‌شوی؛ نمی‌دانی چه اتفاقی افتاده است. البته متوجه می‌شوی که دلت به رقص درآمده است؛ موسیقی آسمانی را که همچون آبشار فرو می‌ریزد، می‌شنوی؛ رایحه‌ای را در خود استشمام می‌کنی که پیش از آن، سابقه نداشته است اما

زمان می‌برد تا تو خود را جمع‌وجور کنی و بفهمی حادثه‌ای که در تو اتفاق افتاده، چیزی نیست مگر حضور حضرت عشق.

عارفان، آشنایانِ همیشگی عشق‌اند.

عشق، همواره در ساحتِ عرفان می‌ماند.

برای تجربه‌ی عشق،

باید به ساحتِ عرفان، قدم بگذاری.

عشق،

صفتی از صفاتِ الهی نیست،

بلکه ذاتِ خداوند است.

همه‌چیز از چشمه‌ی عشق می‌جوشد.

عشق، خداست.

عشق، حقیقتِ فرجامین است.

ورای ساحتِ عشق، مرتبه‌ای نیست.

در واقع، پیش از آن‌که به عشق بررسی،

باید ناپدید شوی.

وقتی عشق هست، تو در میان نیستی.

وقتی عشق را می‌یابی که جوینده‌ای در میان نباشد.

تو و عشق با هم جمع نمی‌شوید.

یا تو در میان خواهی بود و یا عشق، خودت باش.

خودت را محترم بشمار و دوست بدان. بدان که خداوند، تو را می‌خواسته است،

بنابراین، به تو هستی داده است. تو خواستنی هستی.

تو محبوبِ خداوند هستی.

اگر سیمایِ حقیقیِ خود را ببینی،

عشق در تو آغاز می‌شود.

عشق، پایان‌ناپذیر است.

می‌توانی عشق را با همه‌چیز و همه‌کس سهیم شوی.

چیزی از عشق کاسته نمی‌شود.

هرچه بیشتر عشق را ببخشی،

قدرتِ بیشتری برای بخشیدن می‌یابی.

بدون توقع و چشمداشت ببخش.

بدون توقع و چشمداشت دوست بدان.

حتی توقع یک سپاس را نیز نداشته باش.

خود را وامدار کسی بدان که پذیرای عشقِ توست.

سلطانِ بخشنده‌ی عشق باش، نه گدایی متوقع.



مسیحا برزگر